

بررسی تأثیر توسعه بر هویت جمعی کردها
(مطالعه جامعه‌شناختی تأثیرات توسعه اقتصادی-اجتماعی بر هویت قومی در شهرستان مهاباد)

حسن رشیدی^۱، مصطفی ازکیا^۲

چکیده

جهان معاصر تغییرات اساسی را در عرصه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی ایجاد کرده‌است ولی در عین بروز شواهد مدرنیته، عناصر هویت‌های سنتی و محلی نیز تداوم یافته است به صورتی که همزیستی و استمرار اجزای هویت جمعی در کنار عناصر جهانی واقعیت اجتماعی نوینی را خلق کرده‌است هر چند می‌توان اذعان نمود که این وضعیت تا حد زیادی بیانگر نظریات پساتوسعه است. تحقیق حاضر در پی پاسخ به سؤالاتی در ارتباط با "چگونگی تأثیرات توسعه بر هویت جمعی" است و با توجه به ماهیت روش‌شناختی مورد استفاده به تبیین علل و عوامل، زمینه‌ها و شرایط، راهبردها و پیامدهای این تأثیر می‌پردازد و از روش نظریه بنیانی با مصاحبه‌های عمیق و مشارکت‌های میدانی در بین ساکنین شهرستان مهاباد استفاده کرده است. می‌توان گفت که توسعه در لوای نوسازی و پروژه‌های اقتصادی و تکنولوژیک به صورت سطحی همه جوانب زندگی فردی و اجتماعی را تغییر داده است و موجب بحران‌هایی بر اجزای هویت قومی-کردی شده‌است و "تضعیف هویت قومی" در ابعاد مختلف اقتصادی، زبانی، دینی، سبک زندگی و... به علت "شکل‌گیری آگاهی‌های کاذب یا ناقص" از آن عناصر چون: عقلانیت، دموکراسی، علم و... "می‌توان اذعان کرد که در حین "ظهور برخی عناصر مدرنیته"، "توسعه ناموزون و نابرابر" ایجاد شده است و از جانب دیگر "فرصت‌های نوینی برای هویت قومی-کردی" مهیا شده است و "جایگاه کردها" در منطقه ارتقاء یافته است. در نهایت مقوله مرکزی تحقیق حول "بروز توسعه ناهمگون در حین بحران در هویت قومی-کردی" شکل گرفته است و نظریه زمینه‌ای "توسعه نامتوازن، نابرابر و شکل نوین هویت قومی-کردی" بروز کرده‌است.

واژگان کلیدی: هویت قومی، بحران هویت، توسعه ناموزون، شهرستان مهاباد، نظریه زمینه‌ای.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۲۵

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: hasanrashidi55@yahoo.com)

^۲ استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسؤل) (Email: Mostafa_Azkiya@yahoo.com)

مقدمه

توسعه‌یافتگی^۱ چنان فراگردی جامع که در گروه دگرگونی‌های بنیادین در ساخت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است، به عنوان راهبرد و الگویی برای رفاه و بهروزی مطرح می‌شود. توسعه در کشورهای جهان سوم با داعیه‌های نوسازی و با انجام پروژه‌هایی منشأ تغییرات بنیادین در این کشورها گشته‌است. (از کیا و دیگران، ۱۳۹۲: ۷-۸) با توجه به اینکه جهانی شدن در درجه نخست پدیده‌ای فرهنگی است، که بستری برای جهانی شدن فرهنگ‌های خاص، بومی و محلی شدن عناصر فرهنگ جهانی فراهم می‌کند. (رابرستون، ۱۹۹۵: ۴۳) و «نیروهای ادغام‌گر و همگونی‌آفرین، مکمل نیروهای تفاوت‌زا و جدایی‌ناپذیرند.» (رابرستون و لنچر، ۱۹۸۵: ۱۰۳-۱۰۵)، این تغییرات اجتماعی با عنوان توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی^۲ در ایران معاصر از جانب دولت‌ها، با اجرای طرح‌های توسعه‌ی و به شیوه‌ی مرکز محور با اجرا و نظارت رسمی همراه بوده‌است که علی‌الخصوص از دوره‌ی پهلوی شروع گردید و امروزه نیز در جریان است، از جانب دیگر با گسترش روز افزون رسانه‌ها و ارتباطات، حوزه‌ی عمومی پذیرای نوسازی و عناصر مدرنیته شده‌است، «توسعه در اغلب کشورهای جهان سوم و از جمله در ایران و جامعه‌ی گُردی فراز و فرودها و تاریخچه‌ای را در بر گرفته‌است، و التزامات و موانع مختص با شرایط اجتماعی و فرهنگی خویش را در بین این اجتماع داراست، یکی از راه‌های تقویت توسعه مناطق گردنشین توجه به این است که چه گونه می‌توانند مقاومت اجتماعی گُردی را به جای اینکه به نیرویی پرهزینه و ضدتوسعه بدل شود، به نیرویی سازنده و توسعه‌یابنده تبدیل کنند. (جلایی پور، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۱۰۴)

این تحقیق با روش کیفی (تحقیق‌زمینه‌ای^۳) در شهرستان مهاباد انجام شده است، تحقیق کیفی سعی دارد تعبیر و تفسیر معانی که انسان‌ها در موقعیتهای طبیعی و عادی به زندگی خود و حوادث می‌بخشند را ارائه دهد. (فلیک، ۱۳۸۷: ۴۲۰)، در نظریه زمینه‌ای با گردآوری و تحلیل نظام‌مند داده‌ها نظریه تولید می‌شود؛ نظریه‌زمینه‌ای در طول تحقیق رشد می‌کند و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها حاصل می‌شود (Strauss & Corbin, 1998: 273)

جامعه‌ی مورد مطالعه واجد سنت‌های تاریخی شکل‌دهنده هویت قومی خود است که با ورود عناصر توسعه اقتصادی-اجتماعی به شهرستان مورد مطالعه، ایجاد هویت به شکل نوینی را رقم زده‌است و تغییراتی قابل توجه بر ساختار هویت قومی سنتی ایجاد کرده‌است. به طوری که در تأیید اندیشمندانی چون لانگمن (۲۰۰۳: ۴)، رابرستون (۱۹۹۲: ۱۲۰-۱۲۲)، کسبو (۲۰۰۸: ۴۵) و وینکن و استر (۱۹۹۲: ۳۴) می‌توان گفت که برخلاف گذشته، افراد امروزه در جستجوی منابع هویت‌ساز محدود به یک محیط فرهنگی نیستند و منابع هویت‌بخش دچار ساختارزدایی و محلی‌زدایی شده‌اند. در چنین وضعی فرد درگیر در یک تقابل معنایی از هویت سنتی و بومی و هویت غربی و غیر خودی شده و وضعی پیش می‌آید که فرد خود را جزئی از دیگری می‌انگارد که شالوده ساز بحران هویت می‌گردد؛ هر چند شاهد «تعاملاتی نیتمند» و هم‌چنین «بازآفرینی‌های نوین ارزش‌های سنتی» هستیم و نه تنها تصور زوال سنت‌ها و هویت‌های محلی در فرایند جهانی شدن صحیح نبوده بلکه هنوز سنت‌های جامعه مورد مطالعه دارای کارکرد هویت‌سازی و هویت‌بخشی می‌باشند.

ادبیات تحقیق و پیشینه

بر اساس مبانی تئوریک مورد اتکای این تحقیق سرمایه‌داری و نوسازی واجد تولد و همزیستی تاریخی‌اند اما ابعاد مثبت سنت را نیز لحاظ می‌کند. (Moles, 1999: 6) بر این اساس هر چند عامل اساسی رشد سرمایه‌داری، مدرنیته و توسعه اجتماعی-اقتصادی در رویکرد نوسازی تکنولوژی است، ولی این شاخص در امتداد سایر شاخص‌های دیگر عمل می‌کند. (Alan: 1999: 1) در این ارتباط نظریه‌پردازانی مثل خوندکر^۴ (۲۰۰۵: ۱۱) و رودمتوف^۵ (۲۰۰۳: ۳۷، ۲۰۰۵: ۱۱۳) معتقدند که در حقیقت جهان-محلی

¹ Development

² Socio-Economic Development

³ Grounded Theory

⁴ Khondker

⁵ Roudometof

بررسی تأثیر توسعه بر هویت جمعی کردها (مطالعه جامعه‌شناختی تأثیرات توسعه اقتصادی-اجتماعی ...) / ۲۳

شدن معطوف به امکان همزیستی و دیالکتیک عناصر جهانی و محلی است؛ دیالکتیک جهانی-محلی فرصت‌های فراوانی را در اختیار جوامع محلی در راستای بازسازی هویت سنتی‌شان بر اساس تلفیقی از عناصر جهانی و محلی قرار داده است. بر همین اساس، امروزه می‌توان از هویت‌های چند بعدی به جای یک هویت واحد و منسجم سخن گفت (Robertson & Lechner, 1985: 103-105). بدین گونه گرایش به رویکرد ترکیبی از سوی نظریه‌پردازانی از جمله فدرستون (۱۹۹۰: ۱۸، ۱۹۹۵: ۱۵)، خوندکر (۲۰۰۴: ۲ و ۲۰۰۵: ۱۱) و رودمتودوف (۲۰۰۳: ۳۷، ۲۰۰۵: ۱۱۳) در راستای ارائه رویکردی تلفیقی (از نقش عناصر محلی و جهانی) در تغییرات اجتماعی بیان شده است.

پس از جنگ جهانی دوم^۱ اندیشه‌های پسااستارگرایانه و پسامدرنیسم مطرح و گسترش یافت که حاصل رنجش بیش از حد از توسعه و شکاف‌هایی در مبانی فکری مدرنیستی توسعه بود. از طرف اندیشمندانی چند درباره پساتوسعه نظریه‌پردازی شده است (Escobar, 1992, 1995; Ferguson, 1990; Kothari, 1988; O'Connor, M & Arnoux, R, 1993;) (Rahnema, 1997; Rist, 1990; Sachs, 1992; Seabrook, 1993) و علل حمله به توسعه و برنامه‌های آنرا این گونه بیان کرده‌اند:

- الف) علاقه به جایگزین‌هایی برای توسعه
- ب) علاقه به دانش محلی و بومی
- ج) موضعی انتقادی نسبت به گفتمان علمی ایجاد شده و
- د) دفاع و ارتقاء موضعی جنبش‌های مردمی کثرت‌گرا. (Escobar, ۱۹۹۵: ۲۱۵)

از نظر آنها توسعه بدان نیاتی که داشته است دست نیافته است و می‌توان گفت «توسعه یک مفهوم خودسرانه است که ریشه در یک فراروایت دارد و به نوبه خود منافع دست اندرکاران آن را برآورد می‌کند (Rapley, 2004: 350). که از طرف غرب تحمیل شده است و در جهت همگن کردن فرهنگی^۲ است. (Constantino, ۱۹۸۵) و به صورت دین جدید غرب درآمده است. (rist, ۱۹۹۰) که از نتایج آن تخریب محیط زیست است (Sachs, ۱۹۹۲) و بنیادهای اقتصادی آن که ذاتی جریان مسلط توسعه بوده است فرضی بسیار تقلیل‌گرایانه است.

مطالعات دیگران

در این بخش می‌توان به تحقیقات زیر اشاره نمود:

- هراتی (۱۳۸۸) در تحقیق «تأملی در تأثیر توسعه بر هویت فرهنگی» استدلال کرده‌اند که توسعه با الگوی برونزا، به دلیل ناهمگونی ارزش‌ها و فرهنگ آن با هویت فرهنگ کشورهای واردکننده الگوی توسعه، چالش‌های هویتی را در فرآیند توسعه ایجاد نموده است و این چالش‌ها به بستری برای تبدیل شدن به بحران هویت تبدیل شده‌اند.
- رساله دکتری احمدرش (۱۳۹۱) با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای ورود عناصر مدرن (نوسازی) به کردستان (مورد مطالعه؛ جامعه روستایی موکریان) با روش نظریه زمینه‌ای در روستاهای موکریان انجام شده است، نتایج آن حاکی از وقوع تغییرات متعدد و متنوع «ذهنی-عینی» در «زیست-جهان» فرد گرد است از زمینه‌ها و شرایط بارز مورد اشاره در آن تحقیق «قرارگرفتن در نوار مرزی و مجاورت با دو کشور عراق و ترکیه»، «شرایط تاریخی، سیاسی و فرهنگی خاص منطقه»، «باورها و ارزشهای معنوی و مذهبی»، «ارتباط و پیوندهای اجتماعی» و «سبک زندگی»

¹ World War II

² homogenization

بوده است، از نتایج آن رساله «ایجاد برخی سنت‌های امروزی و نوین» از یک طرف و «امروزی و نوین شدن برخی سنت‌های قدیمی» از طرف دیگر است.

■ رساله عبدالهی (۱۳۹۲) با عنوان «مطالعه و بررسی جامعه‌شناختی زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی جهان-محلی شدن و پیامدهای آن بر روی هویت قومی در کردستان ایران بعد از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منطقه هورامان تخت)»، با نگرشی جامعه‌شناختی و به روش کیفی انجام شده است و از نتایج آن موارد زیر است: «روابط متقابل و روزافزون عناصر محلی و جهانی»، «مواجه شدن الگوهای فرهنگی و هویتی با چالش» و «ارزش‌های مورد تهدید، تبعیض و مقاومت توسط فرایند ملی و جهانی»، همچنین نتایج آن رساله بر «بازاندیشی در هویت سنتی، در عین مشروعیت بخشی به رفتارهای بازاندیشانه»، «بازسازی صنایع محلی»، «بازبیکربندی سنت»، «هویت پیوندی» و هم‌چنین «تأثیرپذیری مؤلفه‌های هویت قومی از ارزش‌های جهانی».

روش‌شناسی

پژوهش کیفی از داده‌های مختلفی استفاده می‌کند و «علاوه بر مستندسازی تجربه فردی، ایدئولوژی و ذهنیت، می‌توان با آنها اطلاعاتی درباره ساختارهای اجتماعی، جنبش‌ها و نهادهای اجتماعی به دست آورد.» (Frozone, 1998: 517) به علاوه «ابزارهای لازم را برای توجه به معنا، قدرت و تعامل در حیات اجتماعی فراهم می‌کند و به سوژه‌های مورد بررسی در پژوهش‌ها قدرت عاملیت بیشتری می‌بخشد.» (ذکایی، ۱۳۸۱: ۱) در پژوهش حاضر رویکرد اصلی نظریه زمینه‌ای است و از فنون مصاحبه‌های نیمه‌باز و عمیق استفاده شده است. جامعه آماری شهرستان مهاباد است و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، روستاها و مناطق شهری انتخاب گردید و افراد با استفاده از فن گلوله برفی، به عنوان جمعیت نمونه، مورد بررسی قرار گرفته است. و بر اساس فلیک (۱۳۸۷: ۴۱۰) جهت افزایش اعتبار، «باورپذیر کردن گزینشی» صورت گرفته است و بر این اساس با نقل قول‌هایی قابل قبول، متن‌ها مستدل شده است؛ و سنجش اعتبار و پایایی در پژوهش‌های کیفی از روش زاویه‌بندی^۱ استفاده شده است. پرسشنامه‌های باز با ۱۵ پرسش طراحی گردیده است و از پاسخگویان خواسته شد که نظرهای خود را درباره تأثیر توسعه اقتصادی - اجتماعی بر هویت قومی - کُردی بیان کنند. حدود ۳۵ پرسشنامه (حضور و غیرحضور) در اختیار نخبگان محلی قرار گرفت و پرسشنامه‌ی نهایی دارای ۱۳ سؤال بوده و در ۵ حوزه با بیش از ۲۰۰ نفر و گروه مشارکت‌کننده مطالعه صورت گرفته است.

جامعه مورد مطالعه

زیستگاه‌گردها بخشی از ایران زمین سابق است که بین چند کشور تقسیم شده است. (جلایی پور، ۱۳۸۵: ۸۳) و اغلب در چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه زندگی می‌کنند. گردهای ایران در سراسر کشور پخش هستند ولی کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و ایلام، مهم‌ترین استان‌های گُردنشین هستند. (بهتویی، ۱۳۸۵: ۱) مهم‌ترین شهر مناطق واقع بین مرز عثمانی و رود جغتو شهر مهاباد^۲ است که مرکز سیاسی و تجاری تمامی ناحیه است. (دمورگان، ۱۳۳۹: ۳۲، کوچرا، ۱۳۷۳: ۲۲۰ و بلو، ۱۳۷۹: ۵۵)، با اینکه این شهرستان امروزه دارای توابع زیر(جدول ۱) است ولی هر چه به گذشته بر می‌گردیم حوزه تابعه آن گسترده‌تر بوده است.^۳

^۱ زاویه‌بندی (Trangulation) یکی از محبوب‌ترین راهبردهای اعتبارسنجی در پژوهش کیفی محسوب می‌شود که همگرایی مبتنی بر یافته‌ای خاص با استفاده از انواع متفاوت روش‌ها، نظریه‌ها، رویکردها، پژوهشگران و منابع اطلاعاتی است. (ایمان و محمدپور، ۱۳۸۹: ۶۹)

^۲ در آن زمان ساوجبلاغ نام داشته است.

^۳ شامل بخش‌ها و شهرهای مرکزی، بوکان، نقده، اشنوویه، مرحمت‌آباد، شاهین‌دژ، تکاب، سقز، بانه، سردشت، خانه (مینورسکی، ۱۹۵۷).

جدول (۱): آمار و اطلاعات جغرافیایی شهرستان مهاباد و توابع

نام مرکز	تعداد روستا	مساحت (کیلومتر مربع)	نام (شهر، بخش، دهستان)
خلیفان	۱۱۰	۱۳۰۲/۰۴۴	خلیفان
کیتکه	۴۳	۶۱۷/۹۴۷	کانی بازار
عبدالله...	۶۷	۶۸۴/۰۹۷	منگور شرقی
مهاباد	۸۰	۵۳۹/۱۲۸۹/۵۳۹	مرکزی
قره بلاغ	۳۶	۴۸۵/۲۱۰	آختاچی غربی
گوک تپه	۱۸	۳۱۶/۲۷۹	مکریان شرقی
دریاس	۲۶	۴۸۸/۰۵۴	مکریان غربی
مهاباد	۱۹۰	۲۵۹۱/۵۸۳	کل شهرستان

مأخذ: نشریات مرکز آمار ایران

یافته‌ها

تحقیق با روش نظریه‌بنیانی و با استفاده از مصاحبه‌های باز و به صورت عمیق بوده‌است، پس از بررسی‌های اولیه، از پاسخگویان خواسته‌شد، نظرهای خود را درباره تأثیر توسعه اقتصادی - اجتماعی بر هویت قومی - گردی بیان کنند که در ۵ حوزه مورد مطالعه قرار گرفت:

جدول (۲): تعداد مفاهیم، مقولات جزء و عمده به تفکیک ابعاد پنجگانه مورد مطالعه

ردیف	حوزه مورد مطالعه	تعداد مفاهیم استخراج شده	تعداد مقولات جزء استخراج شده	مقولات عمده ادغام شده
۱	سلطه هویت غربی بر عناصر هویت قومی	۱۹۰	۶۰	۷
۲	بحران‌های هویتی	۴۳۳	۱۳۷	۹
۳	تحقق شواهد توسعه	۱۳۶	۴۳	۹
۴	تجلی متفاوت عناصر توسعه	۶۱	۱۹	۸
۵	تقویت هویت قومی	۶۳	۲۰	۴
	جمع	۸۸۳	۲۷۹	۳۷

مصاحبه‌های آغازین با صاحب‌نظران و مطلعین حوزه‌های مورد مطالعه و مشارکت (فردی و گروهی) به بحث و نظر گذاشته‌شد و مقوله‌های آغازین پدیدار شدند و پس از کدگذاری جملات و پاراگراف‌ها و تحلیل خط به خط و با استفاده از رویه طرح پرسش و مقایسه کردن و مراجعه مکرر به داده‌ها، داده‌های خام به مفاهیم تبدیل شدند.

فرایند مفهوم‌سازی^۱

کار مراجعه به میدان، انجام مصاحبه‌ها و تحلیل همزمان آن‌ها تا آخرین مراحل تحقیق به طور مداوم و مستمر در جریان بوده و بر اساس آن گزارش نهایی^۱ تدوین شده‌است. پس از تدقیق بر حوزه‌های مورد بررسی^۲ مقوله‌های ادغام شده مربوط به هر حوزه مشخص شده‌است:

^۱ Conceptualization

جدول (۳): مقولات عمده استخراج شده به تفکیک ابعاد شرایطی، تعاملی و پیامدی

ردیف	حوزه مورد مطالعه	مقولات جزء	مقولات عمده	نوع مقوله (زمینه ای، تعاملی، پیامدی)
۱	عناصر هویت قومی	جهانی شدن (کلان شدن ...) هویت قومی (غلبه هویت غربی و تضعیف هویت قومی)	تضعیف عناصر هویت قومی	زمینه ای
		بیگانگی از فرهنگ قومی و غلبه هویت غربی		پیامدی
		کمرنگ شدن سبک زندگی قومی (غربی شدن)		پیامدی
		ناآگاهی به هویت قومی		پیامدی
		کم اهمیت شدن بنیان های خانواده		زمینه ای
		تضعیف اقتصاد قومی		تعاملی
		تضعیف زبان قومی		پیامدی
۲	بحران های هویتی	بحران در عرصه های اقتصادی	هویت بحرانی	پیامدی
		بحران در ایفای نقش دولت		تعاملی
		افول اخلاقیات و معنویت		زمینه ای
		بحران در خانواده		پیامدی
		کم شدن روابط اجتماعی		تعاملی
		اضمحلال ارزش ها		پیامدی
		اختلال در روابط دولت و قومیت ها (مردم)		تعاملی
		بحران هویت قومی		پیامدی
		مهاجرت بی رویه و حاشیه نشینی		تعاملی
۳	تحقق عناصر توسعه	عمران و آبادانی	بروز شواهد توسعه (مدیران آسینون یا مدیرزینیه)	پیامدی
		ترقی اقتصادی، تکنولوژی، اشتغال و درآمد		پیامدی
		تغییر سبک زندگی (غربی شدن خوراک، پوشاک و ...)		پیامدی
		مدرن شدن و گسترش حمل و نقل و ارتباطات		تعاملی
		حضور اجتماعی زنان		زمینه ای
		کاهش جمعیت		پیامدی
		گسترش رسانه ها و ارتباطات		پیامدی
		ارتقاء توجه به حقوق کودکان ...		پیامدی
		تمایل به پیشرفت و موفقیت ...		زمینه ای
۴	مفازات عناصر	ناآگاهی به دموکراسی	بومی شدن توسعه	تعاملی
		عدم آگاهی صحیح از دین		تعاملی

^۱ پس از پیاده کردن نوارهای ضبط شده که در بسیاری از موارد با استفاده از گوشی همراه و ضبط صدا و تصویر، صورت گرفته است و تبدیل صدا به متن و سپس ترجمه آن از زبان کردی به زبان فارسی انجام شده است.

^۲ برگزاری مصاحبه ها و مراجعه به میدان، تا زمان نگارش مطالب به صورت مداوم و بر حسب نیاز و برای رفع ابهامها ادامه یافت. در واقع، رفت و برگشت به میدان تا آخرین لحظه ها ادامه یافت.

زمینه ای		ضعف دولت (عدم استفاده دولت از امکانات و مقدرات توسعه)		
تعاملی		منازعه نخبگان قومی		
زمینه ای		ناکارآمدی خانواده		
پیامدی		سبک زندگی نامتناسب یا متعارض با توسعه		
پیامدی		بروز اشکال ناقص و نامتناسب توسعه		
پیامدی		کم شدن عقلانیت، علم و آگاهی		
پیامدی	توسعه بستری برای تقویت	تقویت عناصر (زبان، ...) هویت قومی	تقویت	۵
پیامدی		ارتقاء آگاهی قومی		
زمینه ای		جهانی شدن و فرصت برای هویت قومی		
زمینه ای		ارتقاء جایگاه کردها در منطقه		

کدگذاری محوری

پس از جمع‌آوری مفاهیم و دسته‌بندی و جمع‌بندی آن‌ها مفاهیم زیادی استخراج شد که با مراجعه مجدد، بازبینی، به بحث گذاشتن آن‌ها در بحث‌های گروهی و مراجعه مجدد به مطلعین و متخصصین مصاحبه‌شده مفاهیم نهایی استخراج شده و در این مرحله زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها مشخص گردید؛ «در این مرحله سعی خواهیم کرد تا مفاهیم و مقولات اولیه به دست آمده در مرحله کدگذاری باز را بار دیگر و با استفاده از یک مدل پارادایمی دوباره در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی قرار دهیم. در این مرحله نیز دو استراتژی "سؤال کردن" و "مقایسه کردن" را به طور منظم مورد استفاده قرار داده‌ایم. مجموعه‌ای از مفاهیم، زیرمقولات، خصیصه‌ها و مقولات، خروجی مرحله کدگذاری باز است. ارتباط میان هر مقوله با زیرمقوله‌هایش (نه ارتباط میان مقوله‌ها) در مرحله کدگذاری محوری^۱ صورت می‌گیرد.» (ذکائی، ۱۳۸۱: ۶۳) و بر اساس الگوی پارادایم (اشتراوس، کوربین، ۱۳۸۵: ۹۷)؛ شرایط علی^۲، پدیده یا مقوله محوری^۳، زمینه یا شرایط مداخله‌گر^۴، شرایط میانجی^۵، راهبردهای کنش و پیامدها^۶ به صورت گرافیکی نمایش داده می‌شود.

کدگذاری انتخابی^۷

این کدبندی آخرین مرحله از کدگذاری در نظریه‌ی بنیانی است که بر اساس کدگذاری باز و محوری صورت می‌گیرد. «در این مرحله کار کدبندی به پایان رسیده و علاوه بر مقوله‌ی هسته، مقوله جدیدی ساخته نخواهد شد. هدف اساسی از این مرحله تفسیر آن‌چه که منجر به ظهور مقوله‌ی هسته شده است، می‌باشد. بدین منظور تشریح و تفسیر این بخش از نظریه‌ی زمینه‌ای در چارچوب یک «خط داستانی»^۸ و با محوریت «مقوله‌ی هسته»^۹ صورت گرفته است. (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۱۸، جونس و الونی، ۲۰۱۱: ۲۰۱۱)

(۲۰۱۱: ۱۰۲)

¹ Axial Coding

² Causal Conditions

³ Core Category

⁴ Intervening Conditions

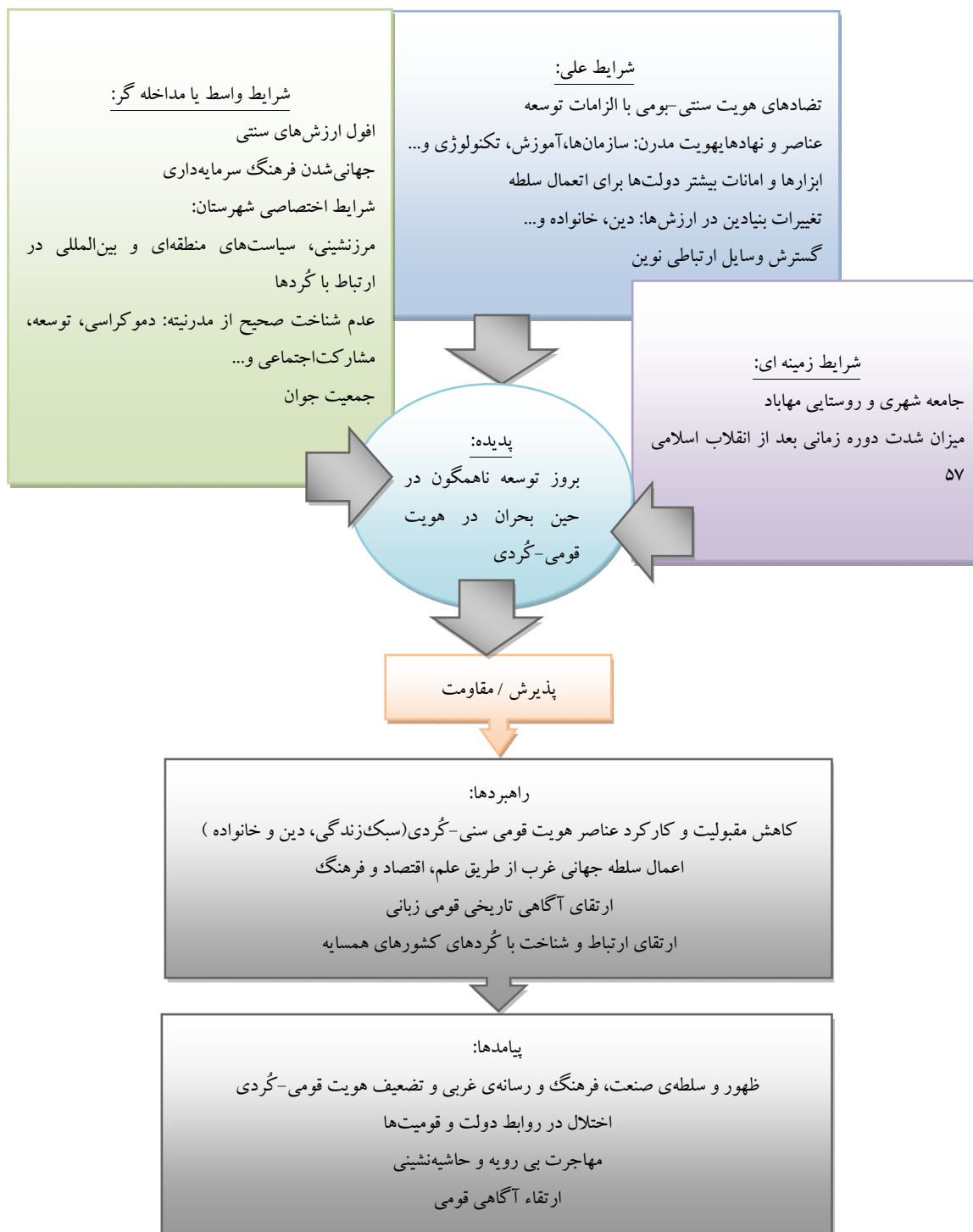
⁵ Context Conditions

⁶ Consequences

⁷ Selective Coding

⁸ Story Line

⁹ Core Category



نمودار (۱): مدل نهایی پارادایمی تأثیر توسعه بر هویت قومی

شرایط علی مربوط به مقوله مرکزی

بر این اساس «توسعه اقتصادی - اجتماعی» بسیاری از عناصر هویت قومی-گُردی را تغییر داده است و بحران هایی نیز در عرصه ی هویت قومی-گُردی ایجاد شده است که با توجه به نمودار شماره (۱) شرح آن در زیر می آید:

برخی مفاهیم استخراجی همچون «شرایط جدید منطقه ای و بین المللی گُردها»، شکل گیری «هویت مقاومت^۱» بر بنیان «زمینه تاریخی، اجتماعی و سیاسی»، جامعه مورد مطالعه و «تضادها و تفاوت های هویت قومی-گُردی با الزامات تحقق توسعه» بر عدم

^۱ به تعبیری که کاستلز (۱۳۸۳) به کار می برد و متوجه هویت های جمعی است که سرکوب شده اند یا نادیده گرفته می شوند..

انطباق و امکان اجرای پروژه‌های توسعه اشاره دارند، همچنین «عدم آگاهی صحیح به توسعه» و بایسته‌های آن هم چون «عقلانیت مادی‌اندیش و محاسبه‌گرانه»، «نبود روحیه مشارکت و دموکراسی» از علل مبنایی است که نیاز به جامعه‌پذیری، آگاهی‌بخش و فرهنگ سازی از کودکی دارد. مفاهیم کلانی هم چون «توسعه یکجانبه، برونزا و...» قابل انطباق به مجموعه‌ای از شرایط است که مشارکت کنندگان جهت اشاره به اشکال ناقص، ناکارآمد، معیوب و... از پروژه‌های توسعه به کار برده‌اند و آن حاکی از تلاش‌هایی ناکارآمد است که جهت نیل به توسعه در ایران و با تأکید بر شهرستان مهاباد صورت گرفته‌است. پروسه‌ی تاریخی غلبه‌ی هویت غربی با هدایت تکنولوژی رسانه‌ای، داستانی است که در کشورهای جهان سوم و منجمله جامعه مورد مطالعه در جریان است.

در حالی که توسعه با اهدافی غایی همچون تقویت بنیان‌های مردمی مشارکت اجتماعی و دخالت هر چه بیشتر آنها در سرنوشت خویش صورت می‌گیرد در شرایط نوین دولت‌ها "ابزارهای بیشتری برای سلطه" و کنترل یافته‌اند و توانایی‌های آنها در جهت ایجاد محدودیت، هدایت، برنامه‌ریزی و... ارتقاء یافته‌است، از علل تأثیرات توسعه بر هویت قومی در جامعه مورد مطالعه "تغییرات بنیادینی" است که جوانب ارزشی هویت قومی به خود دیده‌است و با امعان نظر به جمعیت جوان جامعه و جذبه‌های فرهنگ غالب پدیده‌ها و مسائل عدیده‌ای چون "خودباختگی فرهنگی"، "کمرنگ شدن دینداری"، "افراطی‌گری دینی" و "تغییرات خانواده و ناهمخوانی تربیتی" بروز نموده‌است.

زمینه

گردنشین بودن، سنی مذهب بودن، مرکزیت شهری، اداری و فرهنگی شکل گرفته در طول تاریخ برای مجموعه‌ای از شهرها و روستاهای هم‌جوار واقع در جنوب استان آذربایجان غربی و شمال استان کردستان و حتی مناطقی هم‌مرز در کشورهای عراق و ترکیه که دارای فرهنگ، زبان و هویت مشترک با جامعه مورد مطالعه‌اند در کنار جایگاه فرهنگی-اقتصادی در قطب‌بندی توسعه کشور در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و شکل‌گیری سازمان‌ها و ارگان‌هایی چون صدا و سیما، کشت و صنعت، پتروشیمی و... هم چون بستری انسجام بخش و هویت زا در تحقق پدیده‌ی مورد مطالعه نقش آفرینی کرده‌است.

پدیده: بروز توسعه ناهمگون در حین بحران در هویت قومی-گردی

می‌توان گفت که جامعه‌ی ایران طی نیم قرن گذشته از نظر سبک زندگی و ارزش‌های فرهنگی دستخوش تغییرات مهمی شده‌است که با بهره از امکانات رسانه‌ای، ارتباطاتی و شبکه‌های مجازی بر بستر اینترنت رویکردهای نوینی را در تجزیه تحلیل پدیده‌های اجتماعی-اقتصادی ایجاب می‌کند.

معیارهای زیر را می‌توان برای تعیین مقوله هسته‌ای بیان کرد: الف) مرکزیت یک مقوله نسبت به مقولات دیگر (ب) فراوانی وقوع آن مقوله در داده‌ها (پ) جامعیت و سهولت ربط آن به سایر مقوله‌ها (ت) روشنی دلالت‌های آن برای یک نظریه عام‌تر (ث) حرکت آن به سمت قدرت نظریه‌ها هنگامی که جزئیات مقوله آشکار می‌شود (ج) اجازه برای حداکثر تنوع بر حسب ابعاد، ویژگی‌ها، شرایط، پیامدها و استراتژی‌ها (از کیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۲) با توجه به مشخصات پیش‌گفته برای مقوله اصلی، به نظر می‌رسد مقوله اصلی این تحقیق که زمینه ساز ارایه نظریه " بروز توسعه ناهمگون در حین بحران در هویت قومی-گردی" شده‌است، دارای ویژگی‌های مورد اشاره می‌باشد. لذا، با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان از وقوع پدیده‌ی "دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی" که در این تحقیق با عنوان توسعه مشخص شده‌است و با تدقیق در کم و کیف آنها، سطحی بودن این دگرگونی‌ها را نمایان می‌سازد، به علاوه تغییرات اساسی را بر شاخصه‌های هویت قومی-گردی ایجاد کرده‌است به نوعی که می‌توان شاهد فضای اجتماعی-زیستی و ارزش‌های اجتماعی نوین بود.

شرایط مداخله گر کنش

« شرایط مداخله گر در کنار عوامل در تأثیر توسعه بر هویت قومی قرار دارند که این شرایط عناصری مناسب یا نامناسب هستند و اثر یا اثرات یک یا چند عامل تغییر را فعالتر یا کندتر، شدیدتر یا ضعیف تر می کنند، در واقع بستر و مبنای پذیرش یا عدم پذیرش یک یا چند عامل تغییر هستند.» (طالب، ۱۳۸۴: ۶۵) که برخی از آنها در زیر آمده است:

"افول ارزشهای سنتی" و "اهمیت ارزشهای غربی" وضعیت ذهنی غالب بر سپهر اجتماعی در جامعه مورد مطالعه است و "ورود تکنولوژی های جدید" با هدایتگری رسانه ها و ارتباطات نوین، بازار قدیم را به حاشیه رانده است و مبادله و مصرف کالای وارداتی و غیر بومی-غیرسنتی را از طریق بازارچه های کالای خارجی پر رونق کرده است. به علاوه عدم آموزش و کارآمدی معلمان و اساتید با توجه به نیازهای جوانان و پدیده های فکری-اجتماعی چون "اعتقاد ناصحیح به مفاهیم مدرن" چون: دموکراسی، مشارکت و ... که در قالب مفهوم "شکیک در توسعه" استخراج شده است. از جانب دیگر نقش آفرینی ساختارهای اجتماعی در جهت تقویت موارد فوق الذکر قرار گرفته است و همان طور که قواعد و منابع در جریان تولید و باز تولید کنش اجتماعی ساخته و پرداخته می شوند. (ریتزر، ۱۳۸۸: ۶۰۲-۶۰۳ و لسکی و ویکس، ۲۰۰۴: ۲۴) کنش فردی در این راستا به تداوم پروسه ی فوق الذکر مؤثر افتاده است.

راهبردهای تعاملی کنش

در عین حال که "مقبولیت عناصر هویت قومی در بین جوانان" کاهش یافته است و از جمله اینکه از "زبان گردی" اصیل کمتر بهره گرفته می شود، عرصه های اقتصادی "عقلانی و حسابگرانه" تر شده اند و به نوعی "ارجحیت ارزشی هویت غربی" مشهود است و در عین حال "بحران هویت قومی"، "افول اخلاقیات و معنویت"، "بحران در خانواده و روابط اجتماعی"، "اختلال در روابط دولت و قومیت ها" و "مهاجرت بی رویه و حاشیه نشینی" مواجه هستیم.

با توجه به ماهیت توسعه و خاستگاه فکری-فلسفی غربی آن پدیده های "فردگرایی، مادی گرایی، عقلانی شدن و محاسبه گری مادی اندیشانه" در بین کنشگران رو به فزونی است و بر این اساس همه عرصه های زندگی متحول گردیده است و از شکل سنتی-قومیتی و گردی فاصله گرفته اند و یا قالب و شکل نوینی گرفته است بر این اساس شاخصه هایی چون توجه به "کیفیت بیشتر تغذیه و خوراک"، "تفریح و سرگرمی"، "رفاه، پزشکی و بهداشت" بر "سبک زندگی" عمومیت یافته است. بستر متحول و متلون رسانه ها تنوع و تکثر در نگرش های و بینش ها را ممکن کرده است و به نوعی ارتقاء آگاهی های عمومی را در پی داشته است و هر چند "تعامل بین فرهنگی" بیشتر شده است ولی این پدیده با وضعیت تعاملی پذیرش بیشتر همراه است. در ارتباط با دین "تضعیف دین" با راهبردهایی هم چون "ادا نکردن واجبات دینی هم چون نماز و روزه، زکات و ... و یا اشکال و افعال التقاطی دینی همراه است.

از دیگر راهبردهای مورد اشاره انجام کنش هایی است که با "ارتقای آگاهی تاریخی، قومی و زبانی" به صورتی متمایز از شکل سنتی صورت می گیرد. "جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ و سیاست" با بهره از رسانه ها و تمایلات و انگیزه های هدایت شده ی ناشی از آن تعلقات کنش ها بایسته را از جانبی و رویه های کنشی عادت شده ریشه دار در هویت قومی-گردی را ایجاد کرده است.

در حالت کلی می توان اذعان نمود که اغلب پدیده ها در عین حفظ بنیان های هویت قومی-گردی در برخی از موارد "تطبیق"، "همسان سازی"، "تقلید"، "تغییر سبک انجام" و ... به عنوان راهبردهایی در تلاقی سنت ها و پدیده ها نوین، توسط کنشگران مورد مطالعه به کار می روند و می توان اذعان داشت که نوسازی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فکری با حفظ سنت ها و فرهنگ و هویت صورت گرفته است که ماحصل آن در اغلب موارد پدیده های تلفیقی و ترکیبی جدیدی است که بیانگر هر دو فضای اجتماعی است.

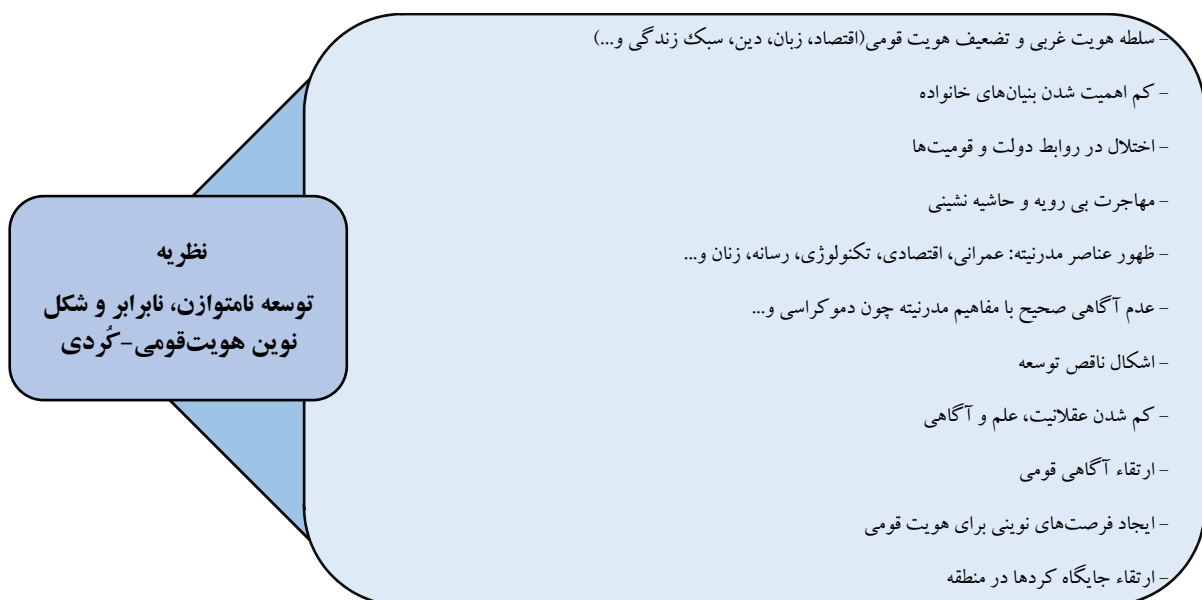
پیامدهای به کارگیری راهبردها

پیامد نهایی را می‌توان با عنوان تضعیف هویت قومی-کُردی بیان نمود و به عبارتی پذیرش تغییرات به صورت سطحی و در عین حال تلاش نافرجام برای حفاظت هویتی ملموس است به‌طورمثال "کم شدن زمان انجام مراسمات" منجر به "کاهش ارتباطات اجتماعی" و در نتیجه "پایین آمدن اعتماد اجتماعی" و در نهایت "کاهش سرمایه اجتماعی" شده‌است ولی انجام و اجرای مراسمات هنوز تداوم یافته‌است. با توجه به الزامات فرهنگ سرمایه‌داری "نگرش‌ها و کنش‌های مادی‌نگرانه" تمام جوانب زندگی افراد مورد مطالعه را در بر گرفته‌است و مسائلی چون "نیازهای مادی سیری ناپذیر"، "چشم هم چشمی"، "مصرف گرایی"، "رفاه جویی و تن پروری"، "مدرک گرایی"، "مفاسد اقتصادی" و ... بیشتر شده‌است.

در ارتباط با پدیده محوری "بروز توسعه در عین بحران هویت" می‌توان گفت که از جانی در جامعه مورد مطالعه تغییراتی مبتنی بر پیامدهای توسعه اقتصادی-اجتماعی ایجاد شده‌است هرچند کارآمدی، مهارت، تخصص فنی و علمی آنها در سطوح نازلی قرار دارد و از جانب دیگر پیامدهایی مرتبط با بحران‌های هویتی را در پی داشته‌است و کنشگران با تعارضات و دوگانگی‌های رفتاری در امورات روزمره مواجه‌اند. بدین‌گونه پدیده "جهانی شدن هویت" و تغییرات هویت قومی ناشی از توسعه مورد بحث در این تحقیق، "بیگانگی از فرهنگ قومی-کُردی" یا "غلبه فرهنگ و هویت غربی"، "تضعیف اقتصاد قومی"، "تضعیف زبان قومی"، "غربی شدن سبک زندگی" یا "کمرنگ شدن سبک زندگی قومی-کُردی" مطابق جدول (۶) را در پی داشته‌است.

بحث و نتیجه‌گیری و بیان نظریه بنیانی

کنشگران مورد مطالعه در هر یک از حوزه‌های مورد مطالعه و تحت تاثیر شرایط زمینه‌ای، شرایط علی و شرایط تسهیل‌گر، راهبردهای متعدد و متنوعی را اتخاذ نموده‌اند که منجر به پیامدهایی در جامعه مورد مطالعه شده‌است.



نمودار (۲): مولفه‌های زمینه‌ساز نظریه زمینه‌ای تحقیق

همانطور که در نمودار (۲) نیز آمده‌است، مجموعه‌ای از تغییرات به وجود آمده در نتیجه ورود عناصر توسعه به جامعه مورد مطالعه، ما را به ارائه نظریه زمینه‌ای "نظریه زمینه‌ای توسعه نامتوازن، نابرابر و شکل نوین هویت قومی-کُردی" رهنمون شده‌است. با اینکه نتایج داده‌های این تحقیق انواع برون‌دادهایی از وضعیت عناصر هویت قومی-کُردی در طیفی از تضعیف تا تقویت بدست می‌دهد به عنوان نمونه می‌توان در ارتباط با زبان کُردی به عنوان مهمترین مؤلفه‌ی هویت کُردی شاهد کاربرد، ارزشمندی عامه و تعلقات

کمتری بود در عین حال شاهد پویایی زبان گردی و تلاش کنشگران فرهنگی برای احیاء و تقویت آن وجود دارد این موضوع در زمینه‌ی آداب و رسوم گردی وجه‌های دیگرگونه دارد بدین صورت که این آداب و رسوم به شکل گذشته و سنتی خود تغییر ماهیت داده‌است و به صورتی امروزی و منطبق با نیازها، واقعیات اجتماعی عملی می‌شوند. در ارتباط با عناصر هویت قومی آداب و رسوم، سپهرمردمی جامعه مورد مطالعه واجد تصویری منفعلانه و تسلیمی از جانب کنشگران بوده و ادراکی از رو به ضعف نهادن نمادهای هویت قومی-گردی (گرد بودن) که در بین آنها با عنوان گردایه‌تی^۱ یاد می‌شود قابل لمس است. که در این تحقیق ذیل حوزه "سلطه هویت غربی بر عناصر هویت قومی" اشاره شده است که خود موجد حوزه "بروز بحران هویتی" در این تحقیق است و بیشترین اشارات در عرصه‌های مختلف اجتماعی را داراست.^۲

تغییرات اجتماعی، مدرنیزاسیون، نوسازی و رشد از مقوله‌هایی بوده‌اند که در بیش از یک سده‌ی اخیر در ارتباط با توسعه قابلیت طرح می‌یابند و از طرف اندیشمندان و محققین از آن با مفاهیم تجدد، صنعتی‌شدن و پیشرفت نیز یاد کرده‌اند و اشاره به رواج پدیده‌هایی چون شهرنشینی، فردگرایی، محاسبه‌گری، مادی‌اندیشی و مصرف‌گرایی دارد که بر بستر تغییر سبک زندگی و اقتضائات منطقه ای و جهانی استوار است و بدین سان آبادانی، معماری، فناوری‌ها، مشاغل، سبک زندگی، ارتباطات، مشارکت اجتماعی، ارتقاء جایگاه زنان و کودکان را در پی داشته است ولی به صورتی نابرابر و ناموزون شکل گرفته‌است؛ تفاوت‌های فرهنگی، اقتضائات بومی-محلی به عینیاتی اجتماعی بدل شده است که لازمه توسعه است و باید با فرهنگ و هویت اجتماعی تناسب و تناسب داشته‌باشد، چنان‌که اندیشمندان پساتوسعه اظهار می‌دارند که «ظهور رنجش بیش از حد از توسعه بروز ویرانه‌ای از این چشم انداز فکری و ایجاد شکاف‌هایی که شروع به فرو ریختن کرده‌است را موجب شده‌است.» (ساجس، ۱۹۹۲، راهنما، ۱۹۹۷ و اسکویار، ۱۹۹۲، ۱۹۸۵) و برخی «هدف واقعی توسعه را گسترش کنترل دولت‌های متحد جهان غرب به کشورهای در حال توسعه» (رشیدی، ۲۰۱۴) ذکر کرده‌اند و از نتایج این تحقیق نیز بروز پیامدهای توسعه اقتصادی-اجتماعی به شکل متفاوت است که حکایت از تناسب توسعه با هویت جمعی دارد.

هر چند شواهد زیادی حاکی از تضعیف هویت قومی و غلبه هویت بیرونی است ولی شواهدی نیز بر حوزه "توسعه بستری برای تقویت هویت قومی" اشاره دارند و در ریشه‌یابی آن می‌توان به عوامل متعددی اشاره نمود چنان‌که نیاز ابرقدرت‌ها در منطقه، شیوه تعامل دولت‌های مرکزی با قومیت‌ها و نقش احزاب و تشکلهای فعال، باید گفت که تفاوت‌های فرهنگی، وجود ریشه‌های تاریخی هویتی کردها و دارا بودن ساختار جمعیتی جوان از شرایط دخیل در تقویت عناصر هویت قومی-گردی در شهرستان مهاباد است. البته نظریات اخیر این حوزه بر توجه به لازمه‌های محلی، منطقه‌ای و بومی در این ارتباط تأکید دارند و در این ارتباط لازم به ذکر است که مردم این شهرستان واجد پیشینه‌ای در دفاع از فرهنگ سنتی، ارزش‌های اجتماعی و هویت قومی-گردی (زبان، دین، و ...) که بعضاً به شکل فعالیت‌های قوم‌گرایانه و هویت‌طلبانه نیز ظاهر شده‌است و پدیده‌هایی نیز حاکی از تقویت عناصر هویت قومی (زبان، پوشاک، خوراک و ...)، ارتقاء آگاهی قومی، جهانی شدن هویت قومی و ارتقاء جایگاه کردها در منطقه را نیز شاهد هستیم.

^۱ کوردایه‌تی اصطلاحی است رایج در بین کردها که به تلاش‌ها، اندیشه‌ها و جهت‌گیری‌هایی اشاره دارد که یک کنشگر گرد در راستای حفظ، دفاع، تقویت و ... کنش‌ها و پدیده‌هایی و کنش‌هایی انجام می‌دهد که به عنوان شاخصه هویت کردها شناسایی شده‌است.

^۲ که از آن جمله می‌توان به مواردی زیر مستخرج از داده‌های این تحقیق اشاره نمود: همچون "اقتصاد"، "اخلاقیات و معنویت"، "خانواده"، "روابط اجتماعی"، "ارزش‌ها"، "روابط دولت و قومیت‌ها" و ...

۱. ازکیا، مصطفی، دانش مهر، حسین و احمدرش، رشید (۱۳۹۲). توسعه و مناقشات پارادایمی جدید (ج ۱)، تهران: کیهان
۲. احمدرش، رشید (۱۳۹۱). سنت و مدرنیته در کردستان (مطالعه‌ای جامعه‌شناختی از ورود عناصر مدرنیته به موکریان). رساله دکتری، دانشگاه تهران.
۳. ازکیا، مصطفی و دیگران (۱۳۸۹)، *نظریه‌های اجتماعی معاصر با رویکرد توسعه*، تهران: انتشارات علمی.
۴. ازکیا، مصطفی؛ ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۰) روش‌های کاربردی تحقیق، کاربرد نظریه مبنایی، تهران: انتشارات کیهان.
۵. اشتراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. ایمان، محمد تقی و محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، *فرایند و پیامدهای نوسازی و تغییر و تحولات اجتماعی*، مطالعه موردی شهرستان سردشت، نامه انسان‌شناسی، دوره اول، شماره ۵، صص ۵۸-۷۸
۷. بلو، ژویس (۱۳۷۹). بررسی جامعه‌شناختی و تاریخی مسئله‌گرد، ترجمه‌ی پرویز امینی. تهران: نشر.
۸. بهتویی، حیدر (۱۳۸۵). کرد و پراکندگی او در گستره ایران زمین، تهران: گستره.
۹. جلالی پور، حمیدرضا (۱۳۸۵)، فراز و فرود جنبش کردی ۱۳۶۷-۱۳۵۷، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۸۱-۱۰۹.
۱۰. دمورگان، ژاک (۱۳۳۹). جغرافیای غرب ایران، ترجمه کاظم ودیعی، ج دوم، تبریز: چاپخانه شفق تبریز.
۱۱. ذکائی، محمدسعید، (۱۳۸۱)، نظریه و روش در تحقیقات کیفی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۷، ۶۲-۵۶.
۱۲. طالب، مهدی و عنبری، موسی (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی روستایی ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، دانشگاه تهران.
۱۳. ریتزر، جورج (۱۳۸۸)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۴. عبدالهی، عادل (۱۳۹۲). مطالعه و بررسی جامعه‌شناختی زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی جهان-محلی شدن و پیامدهای آن بر روی هویت قومی در کردستان ایران بعد از انقلاب اسلامی (مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی هورامان تخت). رساله‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
۱۵. فلیک، اوه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۱۶. کاستلز مانوئل (۱۳۸۳)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت هویت*، مترجم: احد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: طرح نو.
۱۷. کوچرا، کریس (۱۳۷۳). جنبش ملی کرد. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: آگاه.
۱۸. محمدپور، احمد، رضایی، مهدی، پرتویی، لطیف، صادقی، رسول (۱۳۸۷)، سنت، نوسازی و خانواده: مطالعه‌ی تغییرات خانواده در میان ایلات منگور و گورک شهرستان مهاباد، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
۱۹. هراتی، محمد جواد (۱۳۸۸). تأملی در تأثیر توسعه بر هویت فرهنگی، راهبرد توسعه. شماره ۱۹.
20. Alan, Carter (1999). "The Nation-State and Underdevelopment", *Third World Quarterly*, Vol 16, Issue 4.
21. Escobar, A. (1995). *Encountering Development: The Making and Unmaking of the Third World*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
22. Escobar, A. (1992). 'Reflections on 'Development': Grassroots Approaches and Alternative Politics in the Third World', *Futures* 24(5): 411-436.
23. Featherstone, M. (1990). *Global culture: Nationalism, globalization and modernity* (Vol. 2). Sage.
24. Fronzosi, R. (1998). *Narrative Analysis for Why (and how) Sociologists*, 24.
25. Jones, M., & Alony, I. (2011). Guiding the use of grounded theory in doctoral studies—An example from the Australian film industry.
26. Khondker, H. H. (2005). Globalisation to glocalisation: A conceptual exploration. *Intellectual Discourse*, 13(2).
27. Khondker, H. H. (2004). Glocalization as globalization: Evolution of a sociological concept. *Bangladesh E-Journal of Sociology*, 1(2), 1-9.
28. Kothari, R. 1988. *Rethinking Development: In Search of Humane Alternatives*. Delhi: Ajanta.
29. O'Connor, M & Arnoux, R (1993) Translators' introduction, in: S Latouche, *In the Wake of Affluent Society: An Exploration of Post-Development* (London: Zed Books).
30. Langman, L. (2003). Culture, Identity and Hegemony: The Body in a Global Age. *Current Sociology*, 51(3), 223-247.
31. Leskiewicz, Max (2004): "Towards an Ontological Revival of Legal Theory, partII: Methodological Ethics, Bourdieu, Giddens and De Certeau", at: http://www.alpsa.net/documents/Leskiewics_Ontology_II-000.pdf.
32. Minorsky, V. (1957) Mongol Place-Names in Mukri Kurdistan, *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, London, vol. XIX
33. Moles, David (1999), "Dependencia and Modernization", In Pieterse, J. (1996). *Globalisation and culture: Three paradigms. Economic and Political Weekly*, 31(23), 1389-1393.
34. Rahnama, M. & Bawtree, V (eds). (1997). *The Post-Development Reader*. London: Zed.

35. Rapely, John (2004) Development studies and the post development critique : progress in development studies, Progress in development studies, (350-354)
36. Rashidi, Hassan (2014). Post-Development, An Approach To Development Failure, Advances in Environmental Biology, 8(6) Special
37. Robertson, R. & Lechner, F. (1985). Modernization, globalization and the problem of culture in world-systems theory. *Theory, Culture & Society*, 2(3), 103–117.
38. Robertson, R. (1992). Globalization: Social theory and global culture (Vol. 16). Sage.
39. Robertson, R. (1995). Glocalization: Time-space and homogeneity-heterogeneity. *Global Modernities*, 25–44.
40. Roudometof, V. (2003). Glocalization, Space, and Modernity 1. *The European Legacy*, 8(1), 37–60.
41. Roudometof, V. (2005). Transnationalism, Cosmopolitanism and Glocalization. *Current Sociology*, 53(1), 113–135.
42. Robertson, R. (1995). Glocalization: Time-space and homogeneity-heterogeneity. *Global Modernities*, 25–44.
43. Robertson, R., & Lechner, F. (1985). Modernization, globalization and the problem of culture in world-systems theory. *Theory, Culture & Society*, 2(3), 103–117.
44. Ritzer, G. (2003). Rethinking globalization □: Glocalization / globalization and something / nothing . *Sociological Theory*, 21(3), 193–209.
45. Sachs, W. 1992. The Development Dictionary: A Guide to Knowledge as Power. London: Zed
46. Rist, G. 1990. Development as the new religion of the West, Quid Pro Quo 1; 2: 5-8.
47. Seabrook, J. 1994. Victims of Development, Resistance and Alternatives. London: Verso.
48. Strauss, A. and Corbin, J. (1998) Basics of Qualitative • Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, Thousand Oaks: Sage Publications.
49. Vinken, H. & Ester, P. (1992). Modernization and value shifts. A cross-cultural and longitudinal analysis of adolescents' basic values. *Adolescence, Careers, and Cultures*. Berlin/New York: Walter de Gruyter.
50. Xue, C. (2008). A Review of Tomlinson's Views on Cultural Globalization. *Asian Social Science*, 4(6), P.112